اساس بهائیت

الخطیب، محب الدین

بهائیت عقیده‏ای است بر این اساس که:خدائی با اسماء و صفاتی‏ که خود را در کتابهای پیغمبرانش بخصوص خاتم آنان محمد صلی اللّه‏ علیه و آله و سلم تعریف نموده است مطلقا وجود ندارد.بلکه وجود خدا نزد بهائیان نیازمند مظاهر امر اوست که بگمان ایشان آمده‏اند تا به مظهر ابهی که بهاء اللّه لقب بافته بشارت دهند.پس بهاء اللّه پرودگاریستکه‏ همه دیانتها بآمدنش بشارت داده‏اند و عالیترین دین‏آور و مشرعیست که‏ دین بودا و برهمائی و یهود و مسیح و اسلام بظهورش خبر داده‏اند.و همه این دینها و ادیان دیگر-بگمان بهاء و بهائیان-مقدمه ظهور بهاءاند بنابراین بهاء اللّه مظهر صفات خدا و متصف بدان صفاتست نه خدا-و او مصدر افعال و کارهای خدا و فاعل آنهاست؛نه خدا.و مقصود از قیامت‏ و ساعت کبری و وجه اللّه اوست،و جمال اللّه ابهی اوست،و موعود بشارتهای همه ادیان گذشته اوست،و خدائی نیست چجز او،و قیامتی نیست‏ جز قیام او،و آخرتی نیست جز آغاز و ابتدای او،و دینی نیست جز دین او،و همانطورکه اسلام ادیان پیش از خود را لغو نمود بهائیت اسلام‏ و تمامی دینهای اولی را که آمده بود تا با دین کامل بها تکمیل شود لغو کرده‏ با اینوصف بهاء تظاهر باحترام ادیان دیگر میکند تا به پیروان آنها بگوید که:«ادیان شما برای بشارت بقیام من آمده‏اند.»

لغزشهای پیش از بهائیت

دین بهائی از عقیده شیعه گرفته شده و در محیط شیعه ایران و بدست‏ گروهی از زیرکان ایرانی بوجود آمده است.

(1)-این مقاله در مجله الارهر چاپ شده و توسط یکی از خوانندگان‏ ترجمه گردیده و بدفتر مجله فرستاده شده است.بدیهی است چنانچه توضیحاتی از طرف صاحبنظران برسد در مجله درج خواهد شد.

لغزشهای که پیش از بهائیگری رخ داده است

اولین لغزش دعوی مردی از شیعیان عراق بنام«شیخ»احمد زین الدین احسائی(1157-1242 ه)است.این مرد هم اکنون نیز پیروانی‏ دارد که شیخیه نامیده میشوند.

پس از آن مردی دیگر بنام«سید»کاظم رشتی(1209-1259 ه) دعوی خود را آشکار میکند،و آنهم تاریخ مفصلی دارد.

بعد از آن جوانی عامی از بازرگانان ایرانی به نام سید علی محمد شیرازی(1235-1266 ه)تحت تأثیر آن دو و شاگردانشان قرار میگیرند. این سه نفر و گروهی دیگر پیشقر اولان بهائیت و آزمایشهای ابتدائی ظهور آن بودند،و هدف آنها کامل نمودن گامی بود که غلات منحرف شیعهء از هزار سال پیش برداشته بودند .بدین معنی که میخواستند تغییر دین اسلام‏ و عقاید و نظام و هدفهای آنرا اعلان نمایند.

«سید»علی محمد شیرازی جوانی مغرور و عوام بود و در امور دینی زیاده‏روی میکرد و بجای علم ادعای فهم میکرد،و در اواخر عمر«سید»کاظم رشتی در مجلس او رفت آمد میکرد.یکی از شیاطین شیعه‏ بنام ملا حسین بشروئی در مجلس«سید»کاظم با او آشنا شد.

چون«سید»کاظم رشتی در سال 1259 مرد بفکر ملا حسین بشروئی‏ گذشت که از سادگی و غرور و غلو آن جوان در دین سوء استفاده نماید، از اینرو زیاد با او گرم گرفت و رفت آمد کرد و او را باین گمان انداخت‏ که بزودی مقام خواهد یافت و آندوره و زمان(امام)«منتظر»است،و او(علی محمد) در مقام(باب)که اوامر مهدی را بشیعیان میرساند خواهد بود.اگر اینکار درست شد او(بشروئی)آرزومند است که(باب الباب) یعنی معاون او شود.و هرگاه مجتهدان و علما در برابر او مقاومت کنند در جدل و مبارزه باتمام وسائل باو کمک خواهد کرد.

ناتمام